









## مقدمه

یکی از اقسام خسارات در حوزه مسئولیت مدنی، خسارت بدنی است که شامل (هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه...بند الف ماده (۱) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه) موضوعات خسارات در این بحث نوعاً از اهمیت و حساسیت به مراتب بیشتر از خسارات مالی برخوردار است صدمات جانی تنها به خسارات غیر مادی مجنی علیه منحصر نمی‌شود و در پی صدمه جانی معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می‌شود که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیر مالی کاملاً متفاوت است اصل جبران کامل خسارات هر چند در حقوق مسئولیت مدنی مطرح است لکن این اصل در خسارات بدنی اهمیت بیشتری دارد تا خسارت مالی، اهمیت خسارت بدنی به ارزش و کرامت انسانی هم مرتبط است و آثار ناگواری که به دنبال دارد و تألم و درد ناشی از صدمات بدنی، نیازمند توجه بیشتر و تسکین این آلام می‌باشد تا اگر نتوان مصدوم را به حال سابق بازگرداند، حداقل او را از سختی‌های آینده مصون نگه داشت (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۸۳). در فقه اسلامی اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلی را به این مقوله اختصاص دهند و قاعده ای کلی در این باره بنا نهند به مناسبت در بحث‌های فقهی مختلفی، متعرض مسأله خسارات قابل جبران شده‌اند و در هر مقام مباحثی را مطرح نموده‌اند. در حقوق ایران ظاهراً هیچ یک از قوانین و مقررات حقوقی صراحتاً اشاره ای به لزوم جبران کلیه خسارات ندارد. در هر قانون به بخشی از خسارات قابل جبران اشاره شده است. در مقالات سابق که ارتباط موضوعی باین مقاله دارند (مرعشی، محمد حسن، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم)، (جبران خسارات معنوی ناشی از خسارات مازاد بر دیه، فهرستی، زهرا) به کلیات اشاره داشته و قبل





از حاکمیت قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی بوده‌اند و به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره ای نشده است در این مقاله سعی بر آن است که به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخته شود.

موضوع اصلی این است آیا در حقوق ایران تمام خسارات بدنی قابل جبران است یا خیر؟ میزان جبران چه اندازه است؟ نظریه جدید تر این است در قابلیت جبران خسارت عوامل اساسی همچون مبنای مسئولیت، زمینه (رقابت تجاری، ساخت کالا، تصادفات ...) و نحوه ایراد خسارت (عمد، بی احتیاطی یا غیر آن) و طبیعت ضرر را مد نظر قرار دهد. در بررسی موضوع سعی بر آن است تا در پرتو مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه و انگلستان و اصول مسلم حاکم بر جبران خسارت بدنی، میزان جبران خسارت بدنی در حقوق ایران مورد نقد و بررسی قرار گیرد و پیشنهادهای لازم برای تحول آن ارایه شود. در قسمت نخست درباره اصل لزوم جبران این زیان و جایگاه اصل جبران کامل خسارت در قسمت دوم به تعیین مصادیق خسارات بدنی و در قسمت سوم به قابلیت مطالبه خسارات بدنی در حقوق ایران، حقوق فرانسه و حقوق انگلستان و در قسمت چهارم به رویه قضائی در خصوص مطالبه خسارات بدنی و در پایان به نتیجه گیری و پیشنهادها خواهیم پرداخت.

### ۱. اصل لزوم جبران کامل خسارت بدنی

هر چند که نظریه فوق در میان حقوقدانان ایرانی شهرت و مقبولیت بسیار دارد و ظاهراً امری مسلم و منطبق با اصول عدالت و منطق حقوقی زندگی کنونی بشمار می‌رود، ولی مطالعه نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته صنعتی و تحلیل‌های حقوقی و اقتصادی آنان، وضوح، قطعیت و مطلوبیت ادعایی را به اثبات نمی‌رساند. در واقع در اکثر نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته جهان اصلی به این کلیت به رسمیت شناخته نشده و نوع و میزان خسارات قابل جبران با توجه به عوامل مختلف تعیین شده است. نظام‌های حقوقی مختلف برخورد متفاوتی با موضوع داشته و از اصول متفاوتی در باره خسارات قابل جبران پیروی می‌نمایند. در بین این کشورها تنها حقوق فرانسه اصل لزوم جبران کلیه خسارات را پذیرفته





است و در دیگر کشورها اصلی به این کلیت وجود ندارد، بلکه با تفکیک نوع خسارت و با توجه به عوامل مختلف، خسارت قابل جبران تعیین شده است هر یک از این رویه‌ها بر منطق خاصی استوار است (بابایی، ۱۳۸۱: ۱۶). معمول حقوقدانان فرانسوی این اصل را امری مسلم فرض نموده و بدون پرداختن به اثبات و ارزیابی آن تنها متعرض تقسیم بندی خسارات شده‌اند. بدين نحو با تکیه بر برداشت عرفی از خسارت و ضرر، که در طول زمان و بر اثر تحولات حقوقی و اجتماعی و انتظارات جامعه از رفاه و روابط انسانی امری متغیر است، هر گونه خدشه و تعرضی به حقوق مالی (اعم از کسر دارایی ناشی از تلف و نقص و عیب عین یا منفعت، عدم النفع، افزایش هزینه‌ها و خسارات صرفاً مالی و اقتصادی)، تمامیت جسمانی (اعم از صدمات جانی، درد و رنج ناشی از صدمات جانی و نیز از دست دادن لذات زندگی در ارتباط با نقص جسمانی) و حقوق شخصیتی (صدمه به آزادی، عرض، آبرو و دیگر حقوق شخصیت همچون نام و اسرار زندگی خصوصی) را در ابعاد وسیع آن قابل جبران دانسته‌اند (VINEY, 1998: 24) در حقوق فرانسه در زیان‌های بدنی، اصل جبران کل خسارت است و از این لحاظ تفاوتی بین ضرر بدنی و انواع دیگر ضرر وجود ندارد. البته در زیان‌های ناشی از هزینه‌های پزشکی و دارویی مشکلی ایجاد نمی‌کند و زیان دیده استحقاق دریافت کلیه این هزینه‌ها را دارد؛ ولی ارزیابی زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن یا به تعبیری ناتوانی از کار به ویژه ناتوانی دائمی زیان دیده دشوار است. نظریه جدید مبنی بر این است که در این مورد غرامت باید به اندازه نیازهای واقعی زیان دیده ای باشد که دچار ناتوانی دائمی از کار شده یا زندگی نباتی پیدا کرده است، به اعتقاد برخی از استادان حقوق، غیر انسانی و غیر قابل قبول است و با هدف جبران خسارت هم وفق نمی‌دهد؛ زیرا هدف از جبران خسارت این است که زیان دیده را در وضعی قرار دهد که اگر ایراد ضرر نبود، آن وضع را می‌داشت. به نظر می‌رسد که به لحاظ پیوندهای عمیق حقوق فرانسه با حقوق جدید ایران و نیز آشنایی حقوقدانان ایرانی با فرهنگ و حقوق فرانسه، این نظام الهام بخش نظریه اصل لزوم جبران کلیه خسارات در حقوق ایران





بوده است. در حقوق کامن لو تنها مقولات خاصی از خسارات قابل جبران بوده و موجب مسئولیت مدنی می‌شود. برای تعیین خسارات قابل جبران روش خاصی در کامن لو وجود دارد. در واقع در این نظام برای مسئولیت چهار رکن اساسی وجود دارد: وظیفه مراقبت<sup>۱</sup>؛ نقض وظیفه<sup>۲</sup>؛ ضرر<sup>۳</sup> و رابطه استناد<sup>۴</sup> معمول نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته صنعتی قائل به لزوم جبران کلیه خسارات نیستند و در این باره با لحاظ عوامل مختلف خسارات قابل جبران را تعیین می‌نمایند و در مواردی حکم به عدم قابلیت جبران خسارت می‌دهند. ملاحظات اقتصادی و حفظ مصالح اجتماعی و قضائی منشاء این تفکیک و احکام بوده است، به نحوی که قبول اصل کلی لزوم جبران کلیه خسارات را خطری برای حفظ سلامت و امکان فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانسته‌اند (بابایی، ۱۳۸۱: ۴۰). در حقوق آلمان، علیرغم گستردگی دامنه خسارات قابل جبران لزوم جبران کلیه خسارات به رسمیت شناخته نشده است. بلکه حقوق‌دانان و دادگاه‌های این کشور با اقرار به لزوم محدود بودن خسارات قابل جبران، با دقت بسیار به تفسیر الفاظ قانون پرداخته‌اند و موارد بسیاری را نیز از این دایره خارج نموده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۱: ۳۸). تمامیت جسمانی انسان مورد حمایت قانون گذار هست و افراد با توافق نمی‌توانند به دیگران یا خود خسارت وارد کنند و اگر چنین توافقی انجام شود خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه هست و حتی تحدید مسئولیت قراردادی شامل صدمات عمدی و صدمه به جسم و جان انسان را شامل نمی‌شود. و چنین تحدید مسئولیتی باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد (ایزائلو، ۱۳۹۰: ۱۶۹). اصل لزوم جبران کامل خسارت اقتضاء می‌کند تا خسارت زیان‌دیده کاملاً جبران شود و او تا حد امکان به وضعیت قبل از وقوع حادثه زیانبار برگردانده شود، لذا دادگاه باید در هر مورد میزان خسارت وارد شده به زیان‌دیده‌ای خاص را ارزیابی کند و واردکننده زیان را به پرداخت آن محکوم نماید (بادینی، ۱۳۸۸: ۴۶۵). در واقع، چون برگرداندن به وضع سابق همیشه به نفع زیان‌دیده نیست و هدف از جبران زیان اعاده وضع به حال سابق نیست. پس

1 Duty of care  
2 Breach  
3 Damage  
4 Causation





قاضی در مقام حکم به جبران خسارت نباید صرفاً به اعاده به وضعیت سابق اندیشه کند؛ بلکه می‌تواند با توسل به ماده (۳) قانون مسئولیت مدنی به جبران خسارات به طریقی غیر از اعاده به وضع سابق از جمله رساندن به وضع مورد انتظار زیان‌دیده حکم دهد. به عبارت واضح‌تر، ارزیابی خسارت بدنی باید به گونه‌ی شخصی باشد نه نوعی.<sup>۱</sup> در حقوق ایران در مقابل خسارات بدنی دیه وجود دارد در تاریخ حقوق غرب نیز تاسیس مشابه دیه در حقوق رم قدیم و حقوق اقوام مسلط بر اروپا وجود داشته است. در این نظام‌های حقوقی مال مشخصی در مقابل فوت یا خسارات جانی با توجه به شدت و نوع خسارت جانی وارده تعیین شده بود و جانی یا خانواده او مکلف به پرداخت به زیان دیده یا خانواده متوفی بوده‌اند. (گرجی، ۱۳۸۰: ۱۹) فرانسویان قدیم و ژرمنهای همسایه آنان، برای قتل دیه می‌پرداختند و قاتل فرانسوی می‌بایست دویست فرانک ادا می‌کرد و قاتل رومی صد فرانک می‌پرداخت (گرجی، ۱۳۸۰: ۲۱) پذیرش مبلغ معین و از پیش تعیین شده برای جبران خسارت بدنی از حقوق جدید کشورهای غربی رخت بر بسته است و جای خود را به ارزیابی موردی خسارات جانی بر اساس موقعیت و ویژگی‌های زیان دیده داده است.<sup>۲</sup> در واقع، با پذیرش اصل لزوم جبران کلیه خسارات جانی وارد به مصدوم، تعیین شاخص و

1 In concreto

2 In abstracto

۳. برای مطالعه تطبیقی نظام‌های مختلف و مقایسه اصول و احکام مربوط مراجعه شود به:

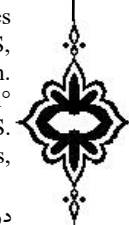
H. MCGREGOR, Personal injury and death, in International Encyclopedia of Comparative Law, v. XI, Torts, ch. 9

در مورد حقوق فرانسه مراجعه شود به:

Y. LAMBERT- FAIVRE, Droit du dommage corporel, 3<sup>e</sup> éd. Dalloz 1996, n<sup>o</sup> 88 et s. G. VINEY & P. JOUREAIN, Traité de droit civil, Les conditions de la responsabilité; 2<sup>e</sup> éd. LGDJ, 1998; n<sup>o</sup> 252 et s. F. TERRE, P. SIMLER et Y. LEQUETTE, Droit civil, Les obligations, Précis Dalloz, 6<sup>e</sup> éd. 1996, n<sup>o</sup> 677; H. L. et J. MAZEAUD et F. CHABAS, Leçons de droit civil, T. II, 1<sup>o</sup> vol. Obligations: Théorie générale, 9<sup>e</sup> éd. 1998, n<sup>o</sup> 409; Ph. LE TOURNEAU et L. CADIET, Droit de la responsabilité civile, Dalloz Action, 1998, n<sup>o</sup> 760 et s. F. FERRAND, Droit privé allemand, Précis Dalloz 1997, n<sup>o</sup> 368 et s. B. S. MARKESINIS, The German law of Torts, A comparative introduction, Clarendon press, Oxford, 1990, p. 36-37; E. DEUTSCH, Juristenzeitung, 1984, p. 33 ff.

در خصوص حقوق کامن لو مراجعه شود به:

B. S. MARKESINIS & S. F. DEAKIN, Tort law, Clarendon press- Oxford 1999, p. 764 ff. Mark LUNNEY & Ken OLPANT, Tort law, text and materials, Oxford 2000, p. 711 ff.





مبلغ واحد برای همه خسارت دیدگان منتفی شده و در هر مورد می‌بایست خسارت جانی وارده، که به هیچوجه قابل ارزیابی و اندازه گیری با پول نیست، با توجه به اوضاع و احوال شخصی و حرفه ای و موقعیت مصدوم تعیین شود اجرای این اصل در خصوص خسارت بدنی مستلزم این است که در تقویم خسارت تمام عناصر صدمه بدنی در نظر گرفته شود. این عناصر عبارت‌اند از: ۱- زیان‌های مالی و اقتصادی ناشی از لطمه به شخص که شامل هزینه‌های درمان و معالجه، دستمزد از دست رفته به دلیل ازکارافتادگی دائم یا موقت، افزایش هزینه‌های زندگی در نتیجه صدمه بدنی و هزینه کفن و دفن است. ۲- زیان‌های معنوی که شامل خسارات ناشی از تحمل درد و رنج و اندوه<sup>۳</sup>، خسارات مربوط به از دست دادن زیبایی. (Terré, 2001:137).

## ۲. مصادیق خسارات بدنی

در حقوق ایران بر اساس بند الف ماده (۱) قانون بیمه اجباری خسارات وارده شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه ۱۳۹۵ خسارات بدنی شامل هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و ازکارافتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه می‌باشد، ولی صدمات جانی تنها به خسارات غیر مادی مجنی علیه منحصر نمی‌شود و در پی صدمه جانی معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می‌شود که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی با خسارات غیر مالی کاملاً متفاوت است تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روش تعیین خسارت جانی به تفکیک خسارات مالی و معنوی اجرا می‌شد و حقوقدانان و دادگاهها به منطق و احکام آن آشنا و از لحاظ نظری قانع شده بودند. ولی با رویکرد مجدد به فقه اسلامی که پس انقلاب اسلامی در ایران بوجود آمد و تأکید قانون اساسی بر مطابقت احکام و قوانین با موازین شرعی و بالخصوص تصویب قانون مجازات اسلامی (دیات)، تغییرات اساسی در نظام جبران خسارات جانی ایجاد شد اصل جبران کامل خسارات هر

مکتبی بر میزان جبران خسارت بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، فرانسه و انگلستان



1 Pretuim doloris.



چند در حقوق مسئولیت مدنی مطرح است و تعادل زیان دیده و عامل خسارت را به دنبال دارد لکن این اصل در خسارات بدنی اهمیت بیشتری دارد تا خسارت مالی. اهمیت خسارت بدنی به ارزش و کرامت انسانی هم مرتبط است و آثار ناگواری که به دنبال دارد و تألم و درد ناشی از صدمات بدنی، نیازمند توجه بیشتر و تسکین این آلام می‌باشد تا اگر نتوان مصدوم را به حال سابق بازگرداند، حداقل او را از سختی‌های آینده مصون نگه داشت. از این رو، نحوه جبران خسارت بدنی هم تغییر کرده است و صرف دادن مبلغ پولی را شامل نمی‌شود بلکه از طریق دیگر هم جبران پذیر می‌باشد. خسارات بدنی، معمولاً با خسارات تنبیهی نیز همراه هستند و در مواردی، خسارات اخیر، از اصل خسارت وارده هم بیشتر می‌شود. صدمات جانی تنها به خسارات غیر مادی مجنی علیه منحصر نمی‌شود و در پی صدمه جانی معمولاً خسارات مادی و اقتصادی بر مصدوم تحمیل می‌شود که از نظر ماهیت و قابلیت ارزیابی و دادرسی با خسارات غیر مالی کاملاً متفاوت است. در خصوص مسئول جبران خسارت بدنی در نظام حقوقی ایران افراد مختلفی در شرایط مختلف مسئول جبران خسارت می‌باشند اصل کلی جبران به وسیله خود زیان زننده می‌باشد و شرایط جبران بسته به اینکه شخص حقیقی یا حقوقی باشد متفاوت است و حتی در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در این خصوص تفاوت قائل شده است ولی در برخی مواقع بیت المال و در برخی مواقع عاقله و گاهی مواقع شرکت بیمه مسئول جبران خسارت می‌باشد گاهی

۱. ماده (۴۷۴) بیان داشته در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت می‌شود. و در ماده (۴۷۵) بیان داشته (در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.) و در ماده (۴۷۶) مقرر شده است (در صورت فوت مرتکب در مواردی که خود وی مسئول پرداخت دیه می‌باشد، دیه تابع احکام سایر دیون متوفی است. و همچنین در صورت ایراد صدمه توسط ضارب و متواری شدن و عدم شناسایی وی دیه جراحات بر اساس اطلاق ماده (۴۳۵) باید توسط بیت‌المال پرداخت شود.

۲. قانون مجازات اسلامی در ماده (۴۶۶) عاقله را عهده دار خسارت ناشی از جنایات خطا محض معرفی کرده است. مطابق ماده (۴۷۰) قانون مذکور نیز اگر جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و اگر عاقله علیرغم داشتن تمکن مالی، از پرداخت دیه خودداری کند وظیفه ای برای پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال قرار نمی‌گیرد و بر اساس ماده (۴۳۵) هرگاه در جنایت عمدی، به علت





مواقع شرکت بیمه و صندوق تامین خسارت بدنی<sup>۲</sup> می‌بایست خسارات را جبران نماید (بادینی، ۱۳۸۴: ۴۵۰). ضمان عاقله یا بیت‌المال حکمی مبتنی بر عدالت توزیعی است در قانون مجازات اسلامی در مواردی پرداخت دیه و خسارت از بیت‌المال جایگزین مسؤلیت مدنی گردیده است. پرداخت دیه از بیت‌المال یکی از شیوه‌های مناسب تحقق عدالت توزیعی در زمینه خسارت بدنی است و مشابه آن را در حقوق کشورهای پیشرفته هم می‌توان دید؛ اما، دادگاه‌ها در عمل در این زمینه با مشکلات عمده‌ای روبرو هستند که لازم است برای آن چاره‌ای اندیشیده شود (بادینی، ۱۳۸۸: ۴۱۶). در حقوق فرانسه برخی از اساتید ضرر بدنی را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: ۱- زیان دیده در حال بیهوشی یا بستری دائم است. در این فرض رویه قضایی غالب بر آن است که وضع و حال خاص زیان دیده در جبران خسارت نباید در نظر گرفته شود و کلیه زیان‌های مادی و معنوی باید جبران گردد (معیار نوعی). لیکن برخی از آراء جبران ضرر را به نیازهای واقعی زیان دیده

مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی‌علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته شده را برگرداند.

۱. ماده (۱۵)- در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند: الف- اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی ب- رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد. پ- در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد. ت- در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

۲. ماده (۲۱)- به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» جبران می‌شود.





محدود می‌کنند ۲ - در پاره ای موارد فوراً و به نحوی آشکار زیان‌های اقتصادی پدید می‌آیند، مانند معالجات پزشکی و ناتوانی از کار که موجب فوت منفعت یا امید به تحصیل منفعت می‌گردد که می‌تواند آثار مالی غیر مستقیمی برای کسانی که مورد حمایت مالی زیان دیده اصلی بوده‌اند داشته باشد ( و به آن‌ها هم حق مطالبه خسارت بدهد ). در آخر، در صورت فوت مصدوم، هزینه کفن و دفن و تجهیز متوفا جزء خسارات قابل مطالبه است. ۳- در مواردی ممکن است ضربه به نحو آشکار آثار مالی نداشته و فقط جنبه معنوی داشته باشد؛ مانند درد و رنج معنوی، زیان لذت ( محرومیت از پاره ای لذات زندگی ). جبران ضرر با پول جنبه تقریبی دارد؛ ۴ - در پاره ای موارد وضعیت میانه ای دیده می‌شود. ضرر بدنی آثار اقتصادی فوری و محسوس ندارد؛ ولی ممکن است چنین آثاری به بار آورد. مثلاً صدمه به تمامیت جسمی بدون آثار شغلی از این قبیل است که می‌توان آن را زیان فیزیولوژیک نامید. به عنوان مثال استاد حقوق بر اثر حادثه دو انگشت دست چپ خود را از دست می‌دهد که این زیان هم باید جبران شود. همچنین درد جسمی و زیان زیبایی از جمله این موارد و قابل جبران است. قابل ذکر است که تضادی میان موارد مذکور نیست. چنانکه زیان دیده ای که در اثر حادثه ای دچار ناتوانی شغلی و حرفه ای شده ممکن است بعداً به شغل دیگری پردازد. برعکس شخصی که زیان فیزیولوژیک اثر فوری در توانایی حرفه ای او نداشته ممکن است بعدها این توانایی را کلاً یا جزئاً از دست بدهد ( MALAURIE.1992: 245 ).

### ۳. قابلیت مطالبه خسارات بدنی

در مورد خسارات بدنی، لزوم جبران این خسارات هیچگاه مورد تردید فقه و حقوق ایران قرار نگرفته و به عنوان اصلی غیر قابل خدشه که لزوم جبران خسارات مالی نیز به آن تشبیه شده، مورد پذیرش بوده است. قانون مجازات اسلامی در مورد ایراد خسارات جانی مابه ازاهایی را با توجه به نوع و شدت خسارت وارده به عنوان دیه تعیین نموده است. از دیدگاه مسئولیت مدنی و بحث خسارات، دیه نحوه جبران خسارات جانی محسوب می‌گردد ولی آنچه مورد اتفاق بوده پرداخت ما به ازایی برای خود صدمه جانی است که





در احکام فقهی به صورت مقطوع در قالب دیه اعضاء آمده است. نگارنده بر این باور است که در قانون آیین دادرسی کیفری و مجازات اسلامی جدید جبران تمام خسارات بدنی و خسارت مازاد بر دیه و همچنین هزینه‌های درمانی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما خسارات مازاد بر دیه تنها هزینه‌های درمانی نیست، بلکه سایر خسارات‌های مالی و اقتصادی، به ویژه خسارات مربوط به از کارافتادگی (به ویژه در فرض شاغل بودن فرد) و خسارات معنوی را هم شامل می‌شود. پذیرش، جبران خسارت مازاد بر دیه تا حد زیادی می‌تواند مشکل را حل کند. با اینهمه، راه حل مطلوب‌تر این است که به مسئولیت مدنی بسنده نشود و برای جبران خسارت بدنی در چارچوب سیاست‌های کلی اجتماعی و بر مبنای نیاز واقعی زیاندیدگان حوادث برنامه‌ریزی شود. اگر بخواهیم عادلانه‌تر و با هزینه اداری کمتری خسارت زیاندیدگان را جبران کنیم، بهتر است بیمه اجتماعی و طرح‌های جبران خسارتی را که منحصراً برای این منظور طراحی شده باشند، مورد استفاده قرار دهیم؛ زیرا با توجه به این که تعداد زیادی از زیاندیدگان حوادث از طریق نظام مسئولیت مدنی موفق به دریافت هیچ نوع خسارتی نمی‌شوند و اشخاصی نیز که موفق به دریافت خسارت می‌شوند با هزینه‌های سنگین، اطالۀ دادرسی و آسیب‌های روحی و روانی مواجه می‌شوند، مسئولیت مدنی وسیله‌ای انسانی و کارا برای جبران خسارت نیست در عین حال برای کاهش تعداد و شدت حوادث می‌توان از ضمانت اجراهای کیفری و مقررات نظارتی استفاده کنیم (بادینی، ۱۳۸۴: ۴۶۵). در برخی نظام‌های حقوقی در فقدان معیار اندازه گیری و تعیین

۱- در فقه نیز نظر مشهور این است که خسارت از کارافتادگی در فرض اجیر بودن و مستخدم بودن مجنی‌علیه (حر کسوب) قابل جبران است و این گونه خسارات در حکم تلف مال است.

۲. به طور مثال در رای شعبه ۲۱۲ حقوقی دادگاه عمومی حقوقی تهران در خصوص ضررهای وارده به مصدوم از قبیل هزینه‌های بیمارستانی و از کار افتادگی و خسارات مازاد بر دیه طی دادنامه شماره ۱۱۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۸ به این استدلال که «مطابق قانون و قاعده لاضرر می‌بایست تمامی ضررهای وارده اعم از مادی و یا معنوی که از فعل غیر قانونی خوانده واقع شده باشد جبران گردد تمامی ضررهای وارده به مصدوم از قبیل هزینه‌های بیمارستانی و از کار افتادگی و خسارات وارده زائد بر دیه وارده که از فعل غیر قانونی خوانده واقع شده قابل مطالبه است رای صادر نموده است...»

۳. در خصوص بحث تفصیلی خسارت مازاد بر دیه رک: به: مرعشی، محمد حسن، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله تحقیقی دادگستری، پاییز ۱۳۷۰ ش ۱. صص ۲۱ - ۹





خسارت ارقام نجومی برای جبران این خسارات لحاظ شده است. همین امر موجب بروز مشکلاتی در سیستم حقوقی برخی کشورها شده که از آن به «بحران مسئولیت مدنی» تعبیر شده است. نمونه بارز این مشکل در نظام حقوقی آمریکا به چشم می‌خورد. در این کشور که تعیین مبلغ خسارات جانی و معنوی توسط هیات منصفه صورت می‌گیرد در مواردی مبلغ تعیین شده نجومی است و همین امر سبب افزایش سرسام آور حق بیمه‌ها شده است. (Stephenn, 2000:24) در حقوق ایران ظاهراً هیچ یک از قوانین و مقررات حقوقی صراحتاً اشاره‌ای به لزوم جبران کلیه خسارات ندارد.<sup>۴</sup> در هر قانون به بخشی از خسارات قابل جبران اشاره شده است و استنتاج این اصل نتیجه نظریه پردازی دکترین بوده است. ولی تمایل حقوقدانان ایرانی به اصل لزوم جبران کلیه خسارات است. در حقوق اسلام هم نظام جبران خسارت بدنی (ضمان بالنفس) از نظام جبران خسارت مالی (ضمان بالمال) جدا گردیده و برای آن مقررات خاصی وضع شده است. نظام جبران خسارت مالی در قواعد اتلاف، تسبیب و غضب مورد بحث قرار گرفته و ضوابط جبران خسارت بدنی زیر عنوان‌های «دیه»، «ارش» و «حکومت عدل» مطرح شده است (بادینی، ۱۳۸۴:۴۶۵). و در غیر عمد و در خطای محض و در شبهه عمد دیه تعلق می‌گیرد (گرگی، ۱۳۸۱:۱۴). و در جنایت عمد اصل بر قصاص قرار داده شده و در مواردی که قصاص امکان ندارد دیه اخذ می‌شود. (گرگی، ۱۳۸۱:۳۶). اکثر فقهای امامیه بدون آنکه بحث مستقلی را به این مقوله اختصاص دهند و قاعده‌ای کلی در این باره بنا نهند به مناسبت در بحث‌های فقهی مختلفی متعرض مسأله خسارات قابل جبران شده‌اند و در هر مقام مباحثی را مطرح نموده‌اند. از جمله در

۱. در قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ در ماده (۳۵) بیان شده (هزینه‌های معالجه اشخاص ثالث زیان‌دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد برعهده بیمه‌گر مربوط یا صندوق است.) در خصوص تصادفات رانندگی حتی اگر قاضی اعتقادی به هزینه‌های معالجه اشخاص ثالث زیان‌دیده و راننده مسبب حادثه نداشته باشد بر اساس این مقرر قانونی مکلف به صدور رای می‌باشد. این ماده فقط شامل حوادث رانندگی است. در خصوص مطالبه خسارات مازاد بر دیه (به غیر از مواردی که مشمول قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۲۰ اردیبهشت می باشد)





بحث از قواعد اتلاف، غرور، لاضرر و غصب به جبران ضرر و زیان اشاره کرده و ضمان را در باره بعضی خسارات ثابت و در خصوص بعضی دیگر منتفی دانسته‌اند (بابایی، ۱۳۸۱: ۵). بسیاری از حقوقدانان از قاعده فقهی لاضرر، قاعده لزوم جبران کلیه خسارات را استنتاج نموده‌اند. در مورد مضمون این قاعده بین فقها اختلاف نظر بسیار وجود دارد. ولی حقوقدانان مدافع لزوم جبران کلیه خسارات بر اساس بعضی تفاسیر فقهی در این باب معتقدند که شارع هر گونه ایراد ضرر را منع نموده و لازمه این منع و ضمانت اجرای آن تدارک ضررهای وارده است. فقهای امامیه در مورد مفاد و آثار قاعده لاضرر وحدت نظر ندارد و در این باره نظریات گوناگونی ابراز شده که نتیجه و احکام حاصل از قاعده را بسیار متفاوت می‌نماید. فقهای امامیه مستندات بسیاری از کتاب و سنت در این باره ارائه نموده‌اند (الخوانساری، ۱۳۹۲: ۱۹۱، خمینی، ۱۳۸۵: ۶؛ المراغی، ۱۴۱۷: ۳۰۴ و بعد، بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۱، مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹). از طرفی، علیرغم مخالفت‌های بسیاری که از جانب بعضی از فقها با اصل مذکور و توسعه دامنه خسارات قابل جبران در زمینه‌های مختلف خسارات مالی و نتایج خسارات جانی شده است، مطالعه آراء فقهی به خصوص در بحث از قاعده لاضرر و گاه قاعده تسبیب (با تفسیری موسع از گفتار فقها و نیز ادله قاعده تسبیب می‌توان دامنه قاعده را آنچنان توسعه داد که نه تنها شامل تلف، نقص و عیب عین گردد بلکه خسارات صرفاً مالی ناشی از هزینه‌های مالی که برای قرار گرفتن زیان دیده در موقعیت مشابه یا معادل قبل از وقوع فعل زیانبار را نیز در بر گیرد). (المراغی، ۱۴۱۷: ۱۹۸ - ۱۹۷، الخوانساری، ۱۳۹۲: ۱۹۹، بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۷۸). نشان می‌دهد که قبول اصل لزوم جبران کلیه خسارات منافاتی با اصول فقهی و شرعی نداشته، بلکه نظر بعضی از فقهای امامیه بر همین امر استوار است. لذا به صراحت می‌توان گفت که قبول اصلی به عنوان لزوم جبران کلیه خسارات و گسترش دامنه ضررهای قابل جبران مخالفتی با شرع مقدس ندارد (بابایی، ۱۳۸۱: ۳۹). در مورد خسارات جانی و بدنی، لزوم جبران این خسارات هیچگاه مورد تردید فقه قرار نگرفته و به عنوان اصلی غیر قابل خدشه که لزوم جبران خسارات مالی نیز به آن تشبیه شده، مورد پذیرش بوده است. ولی آنچه مورد اتفاق بوده پرداخت ما به ازایی برای خود صدمه جانی است که در احکام فقهی به صورت مقطوع در قالب دیه





اعضاء آمده است (و در مواردی که دیه ای مقرر نشده تعیین میزان آن با توجه به شدت صدمه بر عهده قاضی قرار گرفته است) فرانسویان قدیم و ژرمنهای همسایه آنان، برای قتل دیه می‌پرداختند و قاتل فرانسوی می‌بایست دوپست فرانک ادا می‌کرد و قاتل رومی صد فرانک می‌پرداخت (گرچی، ۲۱:۱۳۸۰). در قانون مجازات آلمان در خصوص ایراد ضرب و جرح و در مواد (۲۲۳) به بعد و در بحث جرایم علیه اشخاص فقط مجازات حبس یا جریمه مالی در نظر گرفته شده است (عباسی، ۲۱۵:۱۳۹۴). در قانون مجازات فرانسه در خصوص تعرضات علیه تمامیت جسمانی یا روانی شخص و در فصل دوم قانون مذکور، فقط مجازات حبس یا جریمه مالی در نظر گرفته شده است (گودرزی بروجردی، ۱۶۱:۱۳۹۵). ضرر بدنی امروز در حقوق فرانسه، مانند ایران، جداگانه و به عنوان نوع خاصی از ضرر مورد بحث قرار می‌گیرد. قانون مدنی فرانسه در باب مسئولیت مدنی به اینگونه زیان تصریح نکرده، همان گونه که نامی از زیان معنوی نبرده است. ولی رویه قضایی فرانسه آرای مهمی در این خصوص صادر و قواعد قابل توجهی پدید آورده است. طرح اصلاح حقوق تعهدات قانون مدنی فرانسه نیز در ماده (۱۳۴۱) به این نوع ضرر اشاره کرده بود و در ماده (۱۳۷۹) به بعد نیز مقررات خاصی برای آن آورده است که بیشتر برآمده از رویه قضایی و برای حمایت بیشتر از زیان دیده است نظریه جدید در حقوق فرانسه مبنی بر این است که در این مورد غرامت باید به اندازه نیازهای واقعی زیان دیده ای باشد که دچار ناتوانی دائمی از کار شده یا زندگی نباتی پیدا کرده است. (صفایی، رحیمی، ۱۴۰:۱۳۹۷). در حقوق انگلیس به صراحت گفته می‌شود که هدف مسئولیت مدنی، جبران همه انواع ضررها و همه اشخاص نیست و تلاش دادگاه‌ها در محدود نمودن مسئولیت مدنی به جبران ضررهای خاص برای اشخاص مشخصی است (Richard.owen.2000: 4) ضررهای قابل جبران، به ضررهای وارد به مال، ضررهای وارد به شخص و خسارات محض اقتصادی تقسیم می‌شود. (Richard.owen.2000: 150). هرچند همه اقسام ضرر تحت شمول دعوی تقصیر قرار می‌گیرند و از این حیث مورد







حمایت هستند، اما قواعد حقوق مسئولیت مدنی نسبت به همه اقسام ضرر یکسان نیستند. مثلاً ضررهای وارد به مال، معمولاً در صورت وجود اوصاف ضرر قابل جبران، مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرند لیکن درباره شاخه ای از ضررهای وارد به شخص یعنی ضررهای روانی که غالباً به آن شوک عصبی گفته می‌شد دادگاه‌ها نظر مساعدی ندارند و به سختی به جبران آن حکم می‌دهند، بر خلاف خسارات جسمانی وارد به اشخاص که به سادگی مورد قبول دادگاه‌ها، در دعوی مسئولیت مدنی قرار می‌گیرند. همچنین است خسارت محض اقتصادی، یعنی خساراتی که ارتباطی با خسارات وارد به مال یا جسم افراد ندارند و صرفاً خسارت اقتصادی هستند؛ به عبارت دیگر درباره عدم النفع بی ارتباط با خسارت مالی و بدنی دادگاه‌ها در دعوی مسئولیت مدنی قهری بر خلاف دعوی قراردادی به ندرت به جبران آن حکم می‌دهند. به دو قسم ضرر فوق که به سادگی به جبران آن‌ها حکم داده نمی‌شود «بخش خاکستری»<sup>۱</sup> حقوق مسئولیت مدنی گفته می‌شود البته این وضعیت حقوق انگلیس مورد انتقاد حقوقدانان آن کشور قرار گرفته است (Harpwood, 2009: 37). درباره ضررهای روانی که ظاهراً در برخی پرونده‌ها به آن شوک عصبی گفته می‌شد، آنچه مهم و شایان توجه است، این است که صرف افسردگی و غم و اندوه و جریحه دار شدن احساسات و عواطف در حقوق انگلیس مورد توجه دادگاه‌ها قرار نمی‌گیرد و باید بیمار روانی رخ دهد تا در دعوی مسئولیت مدنی حکم به جبران خسارت داده شود مانند افسردگی شدید که تحت درمان قرار گیرد، تغییر شخصیت و یا آنچه موجب شود شخص برای خوابیدن دچار مشکل شود یا تنش و فشار عصبی به وجود آید. در هر حال این امور باید با مدارک پزشکی به اثبات برسد (Elliott and Quinn, 2009: 42). در اسناد و مدارک بین‌المللی نیز از دولت‌ها خواسته شده که در صورت عدم امکان پرداخت غرامت به قربانیان جرم (به ویژه جرایم خشونت آمیز) از سایر منابع، این کار از محل بودجه دولت انجام شود و در ماده (۱۲) اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان مصوب مجمع



1 Psychiatric Injury  
2 Nervous Shock  
3 Grey area



عمومی سازمان ملل متحد، و ماده (۲) کنوانسیون اروپایی نام برده شده است و این موارد مطابق فقه اسلامی و پرداخت دیه از بیت المال در حقوق ایران است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۷۱).

#### ۴. رویه قضائی در خصوص مطالبه خسارات بدنی

با بررسی رویه‌های قضائی (یکی از منابع حقوق می‌باشد)، در خصوص خسارات بدنی در حقوق کشورهای مختلف، با وجود گذشت زمان از تصویب قوانین، اختلاف رویه‌های فراوانی هنوز وجود دارد، و با مشخص شدن و ارائه پیشنهادهای لازم، ابهام‌های موجود بر طرف شده و به عدالت قضائی منجر شود برای نمونه در خصوص هزینه درمان مصدوم و از کارافتادگی رویه قضائی کشور ما، بسیار متشت و از شعبه ای به شعبه دیگر متفاوت است و علت این امر وجود نظام حقوقی نوشته و قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی و اجازه حاصله از قانون اساسی جهت مراجعه به فقه اسلامی و پراکندگی نظرات در فقه و عدم صراحت در قوانین موضوعه در این خصوص می‌باشد.<sup>۹</sup> در حقوق ایران یکی از پرسش‌هایی که از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی مطرح بوده این است که آیا موارد پرداخت دیه که در قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است حصری است یا در هر موردی که امکان وصول دیه از جانی نباشد یا دست کم در موارد مشابه می‌توان دیه را از

۱. به طور مثال در رای شعبه حقوقی ۲۱۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران در خصوص خسارات جبران خسارت مبلغی اضافه بر دیه به عنوان هزینه پزشکی طی دادنامه شماره ۴۱۱-۹۱/۵/۹ به این استدلال که «دیه، غرامت مقطوع صدمات جسمی وارده ناشی از تصادفات می‌باشد و مبلغی اضافه بر دیه به عنوان هزینه پزشکی، مادام که این هزینه مازاد بر دیه نیست، قابلیت مطالبه ندارد. رای صادر نموده است...» و در رای دیگری شعبه حقوقی ۲۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران در خصوص خسارات مازاد بر دیه طی دادنامه شماره ۸۶۵ مورخه ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ به این استدلال «در صورتی که ثابت شود خسارت دیده حادثه رانندگی هزینه درمانی مازاد بر دیه متحمل شده، مسئول حادثه مکلف به جبران خسارت به میزان مازاد بر دیه خواهد بود و با توجه به مدارک ارایه شده از جانب خواهان و اینکه هیچ‌گونه ضرری نباید جبران نشده باقی بماند حکم بر محکومیت خوانده صادر شده است رای صادر نموده است...»





بیت‌المال پرداخت یا نه؟ همچنین آیا دیه جرح را نیز می‌توان از بیت‌المال پرداخت؟<sup>۱</sup> قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخی معتقد بودند موارد پرداخت دیه از بیت‌المال امری استثنایی و خلاف قاعده (مسئولیت بیت‌المال مبنی بر پرداخت دیه) بوده و صرفاً در موارد ذکر شده در قانون باید رای صادر نمود به نظر می‌رسد موارد پرداخت دیه از بیت‌المال را باید به عنوان یک اصل در تمام مواردی که فردی فوت می‌کند و هیچ نهادی دیه او را پرداخت نمی‌کند تسری داده شود همانند بلایای طبیعی مثل سیل و صاعقه ورعد و برق، زیرا بیت‌المال به عنوان طرف قوی تر می‌باشد و تحمیل خسارت در مسئولیت مدنی به طرف قوی جهت جبران خسارت منجر به برقراری عدالت میشود و باعث برقراری توازن و عدالت و کاهش فقر مالی چنین متضررهائی در جامعه می‌شود (بادینی، ۱۳۸۸: ۴۱۴).

یافت شدن جسد مقتول در کوه، مسجد، پل، خیابان از دیگر مواردی است که در کلمات فقیهان پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال قرار داده شده است.<sup>۲</sup> ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حاکی از مسئولیت بیت‌المال نسبت به دیه جراحات در موارد خاص خود می‌باشد. و چون این موارد خصوصیت ندارند بنابراین می‌توان مسئولیت بیت‌المال را نسبت به دیه جراحات به طور کلی ثابت دانست.<sup>۳</sup> با توجه به اختلاف رویه در خصوص

۱. بنابر برخی فتاوی از جمله فتوای آیت الله خویی در تکملة المنهاج، در مواردی که دیه قتل بر بیت‌المال است، دیه جرح نیز بر بیت‌المال است (نظریه مشورتی شماره ۱۰۳۲۵-۷/۱۲/۹-۱۳۸۲/۱۲/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه)

۲. به طور مثال شعبه ۳۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران طی دادنامه ۰۹۵۱ مورخ ۹۲/۹/۳ در خصوص پرداخت دیه از بیت‌المال به این استدلال که «موارد پرداخت دیه از بیت‌المال امری استثنایی و خلاف قاعده بوده و صرفاً در مواد (۴۶۲) الی (۴۸۷)، ماده (۱۳) و تبصره (۳) ماده (۱۵۶) تصریح شده است و تمامی این مواد به قتل‌های عمد و شبه عمد دلالت دارند و از طرفی به موجب ماده (۷۱۴) قانون مجازات اسلامی جرائم ناشی از حوادث رانندگی در تقسیم‌بندی غیر عمدی قرار داشته لذا صندوق دیه بیت‌المال تکلیفی به پرداخت دیه در چنین مواردی ندارد...».

مجموعه نظریه های مشورتی فقهی در امور کیفری، تدوین معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، جلد هشتم، همان، ص ۴۲۴

۳. مجموعه نظریه های مشورتی فقهی در امور کیفری، تدوین معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، جلد هشتم، همان، ص ۴۲۴

۴. به طور مثال شعبه دوم دادگاه دادگاه کیفری یک یاسوج در دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۴۱۴۰۰۰۱۹۲ مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۸ بدین استدلال «بر اساس ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی در صورت قتل مرتکب و عدم دسترسی به اموال وی و درخواست صاحب حق، دیه از بیت‌المال پرداخت میگردد و با توجه به درخواست صاحب حق مبنی بر مطالبه دیه و فوت قاتل در اثر اجرای قصاص و عدم شناسایی اموال قاتل مطابق با کلیت نص ماده (۴۳۵) قانون





پرداخت دیه مادون نفس توسط بیت المال در محاکم دیوان عالی کشور طی رای وحدت رویه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۰ اعلام داشته (نظر به اینکه فلسفه مسئولیت بیت المال در خصوص پرداخت دیه مادون نفس مجنی علیه که مرتکب آن در دسترس نیست، اعم از شناسایی یا عدم شناسائی مرتکب است. لهذا با توجه به حکم ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی و ملاک ماده (۴۸۷) قانون مذکور و ایضاً قاعده فقهی لایبطل دم امرء مسلم بنا به نظریه اکثریت اعضای شعب دیوان عالی کشور حکم شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان مشعر بر مسئولیت بیت المال بر پرداخت دیه جراحات مادون نفس، مرتکب یا مرتکبان ناشناس صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رأی طبق ماده (۴۷۱) قانون آیین دادرسی کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است). با توجه به گستردگی نقش بیت المال در فقه و نظر به برخی از مواد قانون مجازات و به ویژه توجه به اصل لزوم جبران خسارت، پرداخت دیه از بیت المال باید به عنوان اصل، تلقی شده و در مواردی که مسئولیت مدنی در جبران خسارت، ناکارآمد است، به پرداخت دیه از بیت المال حکم نمود و نیاز هست که صندوق تضمینی مربوط به جبران خسارت زیان دیدگان اقدامات تروریستی، جرائم و حوادثی که عامل آن مشخص نیست یا به هر دلیلی امکان گرفتن دیه از زیان زننده ممکن نیست ایجاد و منابع مالی آن نیز مشخص گردد. خسارت های وارده ناشی از جرم در حقوق ایران از جمله در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری جدید به مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول تقسیم شده است. در ماده (۱۴) ق.آ.د.ک جدید که صدر آن به اصل جبران کامل خسارت اشاره دارد، ولی تبصره (۲) آن امکان پرداخت خسارت معنوی را در جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه خارج می کند. مطابق صدر ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ منظور مقنن، جبران مطلق خسارت معنوی به وجه مادی و غیر آن است. مقنن توجیهی برای خروج تعزیرات منصوص شرعی و دیه از شمول اصل

مجازات اسلامی و اینکه در ماده مذکور محدوده ای جهت دیات قابل پرداخت از سوی بیت المال وجود ندارد حکم بر پرداخت دیه جراحات وارده به مصدومان و دیه قتل متوفی از محل بیت المال صادر و اعلام میگردد...»





جبران کامل خسارت ندارد. رویه قضایی با استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی و قوانین موجود خصوصاً اصل (۱۷۱) قانون اساسی، در جبران انواع مختلف خسارت معنوی به خود تردید راه نداده است با به رسمیت شناختن نظریه جبران خسارت به وسیله دیده، جبران خسارت مادی و زائد بر آن در غیر خسارات معنوی از جمله هزینه‌های درمانی با توجه به نص ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری باید مورد پذیرش قرار گیرد. لازم به ذکر است در حقوق ایران، در نظام تأمین اجتماعی «اصل جبران کامل خسارت» پذیرفته نشده و برای جبران خسارت بدنی سقف خاصی وجود دارد و حتی برخی از عناصر خسارت بدنی (مانند ضرر معنوی و زیان‌های مربوط به افزایش هزینه زندگی) و خسارات وارد شده به اموال قابل جبران نیست. از این رو، بیمه‌شده تأمین اجتماعی که در نتیجه تقصیر دیگری متحمل ضرر شده است برای جبران این گونه خسارات می‌تواند طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه واردکننده زیان دعوا طرح کند (بادینی، ۱۳۸۸: ۴۴۵). به نظر ما ملاحظات حقوق تطبیقی مذکور باید در حقوق ایران نیز مد نظر قرار گیرد و از ایجاد اصل کلی مانند اصل ادعایی قابلیت جبران کلیه خسارات، که علیرغم ساده نمودن کار می‌تواند موجب مشکلات بسیار نیز باشد، اجتناب گردد. قابلیت جبران خسارت را می‌بایست با توجه به عوامل اساسی همچون مبنای مسئولیت، زمینه (رقابت تجاری، ساخت کالا، تصادفات ...) و نحوه ایراد خسارت (عمد، بی احتیاطی یا غیر آن) و طبیعت ضرر و خسارت تعیین نمود. در حقوق فرانسه در زیان‌های بدنی، اصل جبران کل خسارت است و از این لحاظ تفاوتی بین ضرر بدنی و انواع دیگر ضرر وجود ندارد. البته زیان‌های ناشی از هزینه‌های پزشکی و دارویی مشکلی ایجاد نمی‌کند و زیان دیده استحقاق دریافت کلیه این هزینه‌ها را دارد؛ ولی ارزیابی زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن یا به تعبیری ناتوانی از کار به ویژه ناتوانی دائمی زیان دیده دشوار است. نظریه جدید مبنی بر این است که در این مورد غرامت باید به اندازه نیازهای واقعی زیان دیده ای باشد که دچار ناتوانی دائمی از کار شده یا زندگی نباتی پیدا کرده است، به اعتقاد برخی از استادان حقوق، غیر انسانی و غیر قابل قبول است و با هدف جبران خسارت هم وفق نمی‌دهد؛ زیرا هدف از جبران خسارت این است که زیان دیده را در وضعی قرار دهد که اگر ایراد ضرر نبود، آن وضع را می‌داشت. به هر حال





رویه قضایی فرانسه، این نظریه را محکوم کرده و مقرر داشته است که « حالت زندگی نباتی یک جبران شود » (شعبه دوم مدنی، ۱۹۹۵/۲۲/۲، (و رأی) شعبه کیفری، ۱۹۹۴/۵/۱؛ شعبه دوم مدنی، ۱۹۹۳/۲۰/۱) (VINEY. 1998: 145) دادگاه‌های فرانسه اغلب از جدول‌ها و فهرست‌هایی که خود تنظیم کرده یا از مؤسسات دیگر گرفته‌اند برای جبران ناتوانی از کار و خسارات معنوی استفاده می‌کنند، ولی نمی‌توانند صریحاً به آن استناد کنند؛ زیرا در این صورت رأی آنان به استناد ماده (۵) قانون مدنی که صدور آرای کلی و آیین نامه ای را منع کرده، نقض خواهد شد. مثلاً برای ناتوانی از کار به میزان ۱٪، یک مبلغ پایه بر اساس جدول مربوط در نظر می‌گیرند و سپس با توجه به میزان از کارافتادگی آن را چند برابر می‌کنند و به تعبیری مبلغ پایه را در میزان از کارافتادگی یا معلولیت واقعی که کارشناس تعیین کرده ضرب می‌کنند. همین روش در تعیین خسارات معنوی هم به کار می‌رود. البته اینگونه جدول‌ها برای قاضی الزام آور نیست و دست او در تعیین میزان غرامت باز است. در پایان باید گفت عمل دادگاه‌ها در خصوص ارزیابی جبران ضرر بدنی روشن و یکسان نیست. طبیعت ضرر بدنی هم مانع از آن است که بتوان معادل دقیقی برای آن تعیین کرد. یک گروه کاری از شورای ملی کمک به زیان دیدگان گزارشی به وزیر دادگستری تسلیم کرده که در آن روشی که به اعتقاد تهیه کنندگان آن « عادلانه تر و روشن تر بوده » پیشنهاد شده است. یک گروه کاری دیگر به ریاست دینتیهاک نیز فهرستی برای زیان دیده‌های بدنی تنظیم کرده است و بخشنامه ای از وزیر دادگستری فرانسه به قضات توصیه کرده که به این فهرست رجوع کنند و در عمل بسیاری از قضات از آن استفاده می‌نمایند. شورای دولتی فرانسه هم فهرست متفاوتی دارد که از فهرست دینتیهاک الهام گرفته است (FLOUR.2009: 394) در حقوق مسئولیت مدنی انگلیس همیشه تحقق ضرر و آسیب لازم نیست و برخی از اسباب و منابع مسئولیت مدنی بدون آنکه ضرری به وجود آمده باشد قابل استنادند و گفته می‌شود این دعاوی به خودی خود و فی نفسه قابل اقامه و طرح‌اند، در حالی که در دعاوی تقصیر، که به عنوان منبع اصلی مسئولیت مدنی انگلیس شناخته می‌شود، اصولاً وجود ضرر جزو شرایط لازم است (Harwood,2009: 4-9) هر چند در ابتدا دادگاه‌ها تصور می‌کردند اصولاً نباید خسارت





روانی یا شوک عصبی را به رسمیت بشناسند لیکن به تدریج خسارت روانی مخصوصاً درباره کسانی که مستقیماً در حادثه دچار خسارت جسمی شده‌اند مورد پذیرش قرار گرفت؛ ولی همچنان خسارت روانی وارد به زیان دیدگان دست دوم با موانع و محدودیت‌هایی مواجه است تا دادگاه‌ها با سیلی از انبوه دعاوی خسارت بدنی شده‌اند و به تعبیر انگلیسی دروازه سیل یا دریچه‌های سد دعاوی<sup>۲</sup> باز نگردند. زیان دیدگان دست اول کسانی هستند که در حادثه دچار خسارت بدنی شده‌اند و یا در خطر ورود خسارت بدنی بوده‌اند هر چند فقط خسارت روانی به آن‌ها رسیده است. اما زیان دیدگان دست دوم غیر از دو مورد مزبورند. مثلاً کسانی که شاهد مرگ یا آسیب جسمانی یکی از دوستان یا بستگان و همکاران خویش بوده‌اند، یا کسانی که به عنوان نجات دهنده در حادثه ای مداخله کرده‌اند، یا به کسانی که در خطر بوده‌اند به صورت داوطلبانه یا به واسطه شغلشان (مانند افسران پلیس) کمک کرده‌اند. زیان دیدگان دست دوم، یعنی کسانی که زیان جسمی ندیده‌اند و در خطر ورود خسارت بدنی هم نبوده‌اند، باید ثابت کنند: اولاً دچار ضرر روانی جدی شده‌اند و ثانیاً این ضرر روانی ناشی از شوک ناگهانی و غیر مترقبه ای بوده است و اگر خسارت روانی ناشی از غم و اندوه تدریجی باشد، دادگاه‌ها به جبران آن حکم نمی‌دهند. البته منظور از دوستان و بستگان و همکاران کسانی هستند که رابطه نزدیکی با زیان دیده دست اول دارند نه هر دوست یا خویشاوند (Elliott and Quinn, 2009: 12-19). در نظام حقوقی انگلستان، جبران دولتی خسارت بزه دیدگان با تکیه بر قانون جبران صدمه‌های کیفری مصوب سال ۱۹۹۵ میلادی و پس از آن ۲۰۰۱ میلادی و دیگر طرح‌های مرتبط با آن به شکلی نظام مند اجرا می‌شود. البته فلسفه وضع این مقرره و جبران توسط دولت، اغلب حمایت از قربانیان و خسارت دیدگان بی گناه جرایم هست (Desmond S. Greer, 1994: 333). نظام حقوقی آمریکا به دو شیوه سعی در جبران غرامات وارده به اشخاص در اثر فوت دارد: ۱- از طریق حقوق مسئولیت مدنی که مطابق نظر دادگاه با تأکید بر فردگرایی به صدمه دیده درآمد داده می‌شود ۲- از طریق





مقررات مدونی که نهادهای تخصصی دارای قدرت قانونگذاری به یاری مطالعات و پژوهش‌های مستمر بر بازارهای کارونظرسنجی‌ها وضع می‌کنند و در آن غرامت به شیوه یکسانی تعیین می‌شود (Natalia M. Bartels and M. Stuart Madden, 2001:73). در حقوق کامن لو آمریکا نیز ملاحظات ناشی از لزوم ایجاد حدودی برای خسارات قابل جبران و ایجاد سدی جهت جلوگیری از گسترش نامطلوب و غیر قابل کنترل دعوی، از طرفی، و سامان دهی جبران بخشی از خسارات بوسیله قرارداد بیمه یا قرارداد بین طرفین بالقوه دعوی خسارت، از طرف دیگر، باعث شده که نفی قابلیت جبران کلیه خسارت و به ویژه اصل عدم قابلیت جبران خسارات صرفاً اقتصادی به رسمیت شناخته شود مطالعه آرای مختلف دادگاه‌های این کشور در زمینه‌های مختلف جبران خسارات صرفاً اقتصادی نشان می‌دهد که در این کشور نیز همچون کامن لو انگلیس اصل عدم جبران خسارات صرفاً اقتصادی حاکم است. در زمینه خسارات اقتصادی وارد به خواهان در نتیجه ایراد خسارت تلف مال یا خسارت جانی وارد به غیر، اکثر دادگاه‌های آمریکا رأی به عدم جبران خسارت صادر نموده‌اند (ROBERTSON, 1982: 211)

### نتیجه گیری و پیشنهاد

در نظام حقوقی ایران اصل بر جبران کل خسارت بدنی است و دیه به عنوان بخشی از خسارات بدنی است. سایر خسارات مازاد بر دیه از جمله خسارت ناشی از کاهش یا قطع درآمد و هزینه‌های درمان قابل جبران می‌باشد. مطابق صدر ماده (۱۴) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ منظور مقنن، جبران مطلق خسارت است. مقنن توجیهی برای خروج خسارات مازاد بر دیه از شمول اصل جبران کامل خسارت ندارد. رویه قضایی با استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی و قوانین موجود خصوصاً اصل (۱۷۱) قانون اساسی، نباید در جبران انواع مختلف خسارت به خود تردید راه دهد. با به رسمیت شناختن نظریه جبران خسارت به وسیله دیه، جبران خسارت مادی و زائد بر آن در غیر خسارات معنوی از جمله هزینه‌های درمانی با توجه به نص ماده (۱۴) قانون آئین دادرسی کیفری باید مورد پذیرش قرار گیرد. ماده (۱۴) باید به نحوی اصلاح گردد که صراحت جبران مطلق خسارت با توجه به شرایط فعلی برای تمام افراد قابل درک و تشخیص باشد. در حقوق ایران با توجه







به گستردگی نقش بیت المال در فقه و نظر به برخی از مواد قانون مجازات اسلامی و به ویژه توجه به اصل لزوم جبران خسارت، پرداخت دیه از بیت المال باید به عنوان اصل، تلقی شده و در مواردی که مسئولیت مدنی در جبران خسارت، ناکارآمد است، به پرداخت دیه از بیت المال حکم نمود. نیاز هست که صندوق تضمینی مربوط به جبران خسارت زیان دیدگان اقدامات تروریستی، جرائم و حوادثی که عامل آن مشخص نیست یا به هر دلیلی امکان گرفتن دیه از زیان‌زننده ممکن نیست ایجاد و منابع مالی آن نیز مشخص گردد. پیشنهاد می‌شود قانونگذار در حقوق ایران قابلیت جبران خسارت با توجه به عوامل اساسی همچون مبنای مسئولیت، زمینه (رقابت تجاری، ساخت کالا، تصادفات ...) و نحوه ایراد خسارت (عمد، بی احتیاطی یا غیر آن) و طبیعت ضرر و را مد نظر قرار دهد و این امر را در اصلاحات قانونی وارد نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود مواد (۱) و (۲) قانون مسئولیت مدنی به شرح زیر اصلاح شود: ماده ۱ - هر کس بدون مجوز قانونی موجب تلف، نقص یا عیب عین یا منفعت مال دیگری شود ضامن جبران مثل یا قیمت خسارات وارده است. چنانچه مالک به علاوه، متحمل هزینه‌هایی بابت طرح دعوی، رفع اثر از مال صدمه دیده و یا استفاده از منافع جایگزینی تا زمان صدور و اجرای رأی قطعی دادگاه شود، جبران این خسارات نیز بر عهده مسئول حادثه است. ماده ۲ - در صورت ایراد خسارت جانی یا فوت، جانی علاوه بر پرداخت دیه یا ارزش مطابق قانون مجازات اسلامی، ضامن هزینه‌های متعارف پزشکی زیان‌دیده نیز خواهد بود. میزان این هزینه‌ها در آیین نامه ای که توسط قوه قضاییه و وزارت بهداشت و درمان تهیه می‌شود معین می‌گردد.

ضرر بدنی امروزه در حقوق فرانسه، جداگانه و به عنوان نوع خاصی از ضرر مورد بحث قرار می‌گیرد. در حقوق فرانسه در زیان‌های بدنی، اصل جبران کل خسارت است و از این لحاظ تفاوتی بین ضرر بدنی و انواع دیگر ضرر وجود ندارد... نظریه جدید در حقوق فرانسه مبنی بر این است که در مورد غرامت باید به اندازه نیازهای واقعی زیان دیده ای باشد که دچار ناتوانی دائمی از کار شده یا زندگی نباتی پیدا کرده است. در حقوق انگلیس گفته می‌شود که هدف مسئولیت مدنی، جبران همه انواع ضررها و همه اشخاص نیست و تلاش دادگاه‌ها در محدود نمودن مسئولیت مدنی به جبران ضررهای خاص برای اشخاص مشخصی است. نظام جبران دولتی خسارت انگلستان علاوه بر خسارت‌های بدنی، صدمه‌ها و آسیب‌های روانی و محرومیت از درآمد یا توانایی کسب درآمد در آینده را نیز





شامل می‌شود، مشروط بر اینکه خسارت‌های اخیر در نتیجه صدمه‌های بدنی به وجود آمده باشد، معمول نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته صنعتی قائل به لزوم جبران کلیه خسارات نیستند و در این باره با لحاظ عوامل مختلف خسارات قابل جبران را تعیین می‌نمایند و در مواردی حکم به عدم قابلیت جبران خسارت می‌دهند. ملاحظات اقتصادی و حفظ مصالح اجتماعی و قضائی منشاء این تفکیک و احکام بوده است، به نحوی که قبول اصل کلی لزوم جبران کلیه خسارات را خطری برای حفظ سلامت و امکان فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانسته‌اند.

### منابع:

- (۱) ایزانلو، محسن، ۱۳۹۰ ش، شروط محدود کننده وساقط کننده مسوولیت در قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳.
- (۲) بابایی، ایرج، ۱۳۸۱ ش، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران، معاونت تحقیقات و آموزش قوه قضائیه، چ ۱.
- (۳) بادینی، حسن، ۱۳۸۴ ش، فلسفه مسوولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
- (۴) -----، ۱۳۸۸ ش، «نظام جبران خسارت بدنی در حقوق ایران، بررسی کاستی‌ها و ارائه گزینه‌های برای تحول»، بر منهج عدل مجموعه مقالات اهدا شده به دکتر ناصر کاتوزیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
- (۵) -----، ۱۳۹۲ ش، جزوه مسوولیت مدنی تطبیقی دوره دکتری، کیش، انتشارات پردیس کیش دانشگاه تهران.
- (۶) -----، ۱۳۸۹ ش، جزوه الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- (۷) شمش، عبدالله، ۱۳۸۴ ش، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چ ۱، ج ۳.
- (۸) صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۷ ش، مسوولیت مدنی تطبیقی، تهران، انتشارات شهر دانش، چ ۱.





- (۹) فرجی‌ها، محمد، بازیار، ابوالقاسم، ۱۳۹۰ ش، جبران دولتی خسارت‌های بزه دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۲.
- (۱۰) حبیبی، سعید، صالحی فر، علیرضا، ۱۳۹۳ ش، رویکردهای جبران خسارت ناشی از خطاهای مدنی مرگ آفرین، مطالعه تطبیقی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و ایالات متحده، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۴، ش ۱.
- (۱۱) حسن زاده، علی، ۱۳۸۳ ش، سیر تحول تاریخی نظام ملی سلامت انگلستان، مجله تأمین اجتماعی، ش ۱۶.
- (۱۲) خدابخشی، عبدالله، ۱۳۹۴ ش، حقوق دعاوی، تحلیل و نقد رویه قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.
- (۱۳) -----، ۱۳۹۲ ش، تمایز بنیادین حقوق مدنی و حقوق کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، چ ۲.
- (۱۴) سیستانی، سید علی، ۱۴۱۴ ق، قاعده لا ضرر و لا ضرار، قم، بی نا.
- (۱۵) عباسی، اصلی، ۱۳۹۴ ش، ترجمه قانون مجازات آلمان، تهران، انتشارات مجد، چ ۲.
- (۱۶) گرجی، ابوالقاسم، با همکاری روشنعلی شکاری، حسین فریار و محسن صفری، ۱۳۸۰ ش، دیات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱.
- (۱۷) گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا، ۱۳۹۵ ش، درآمدی بر قانون مجازات فرانسه، تهران، انتشارات خرسندی، چ ۱.
- (۱۸) مراغی، میر فتاح، ۱۴۱۷ ق، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۴.
- (۱۹) مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ ق، القواعد الفقهیة، قم، ناشر مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چ ۱.
- (۲۰) موسوی بجنوردی، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ ق، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، چ ۱.
- (۲۱) موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸ ش، الرسائل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱.
- (۲۲) میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۲ ش، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، تهران، انتشارات میزان، چ ۳۰.



(۲۳) نجفی الخوانساری، شیخ موسی، ۱۳۹۲ ق، کتاب منیة الطالب، (تقریرات درس

نائینی)، فی قاعدة لا ضرر، قم، موسسه النشر الاسلامی الحسینی، ج ۳، ح ۲.

- 24) -Barrie, Peter, (2005) Personal Injury Law: Liability, Compensation and Procedure, Oxford University Press.
- 25) Desmond S. Greer, (1987), A Transatlantic Perspective on the Compensation of Crime Victims in the United States. Dalloz
- 26) D. W. ROBERTSON, in B. S. MARKESINIS & S. F. DEAKIN, (1982) Tort law, Oxford University Press.
- 27) Elliott Catherine & Frances Quinn. (2009) Tort Law, 7<sup>th</sup> Ed, Edinburgh: Pearson Education. Éditions Dalloz.
- 28) England, Izhank (1993) "The Philosophy of Tort Law", Dartmouth, First published. Oxford University Press.
- 29) Lambert-Faivre, Yvonne: (1996) "Droit du dommage corporel: systèmes d'indemnisation", 3 ème édition, Éditions Dalloz.
- 30) Malaurie Et L. Aynes, (1992) Droit civil Les obligations, 3e éd. daioz.
- 31) McGregor, Harvey, Personal Injury and Death, "International Encyclopedia of Comparative Law", Volume XI, Torts, Chapter 9. Oxford University Press.
- 32) Natalia M. Bartels and M. Stuart Madden, (2001) A Comparative Analysis of United States and Colombian Tort Law: Duty, Breach, and Damages, 13 Pace Int'l L. Rev. 59. Oxford University Press.
- 33) Stephen D. Sugarman, (2000) A Century of Change in Personal Injury Law, UC Berkeley School of Law - Public Law and Legal Theory Working Paper Published by: [California Law Review, Inc.](#)
- 34) Terré (François), Simler (Philippe) et Lequette (Yves), (1993) «Droit» civil, Les obligations", 5e edition, Éditions Dalloz.
- 35) Vivienne Harpwood, (2009) Modern Tort Law, Routledge-Cavendish. Publisher.
- 36) VINEY et Patrice (JOURDAIN) (1998) Les conditions de la responsabilité, LGDJ 2 éd. Published by: [JSDLP](#)

